

## Is Wienberg Anti-Semitic?

آیا واینبرگ یک ضد سامی است؟

# 2011

Hadronic M.M.Ch.



اسناد جعل و مافیای علمی در گسترش علوم و فنون  
هادرانیک (علوم پسا انیشتن و مکانیک کوانتومی)

Copy Right @ International Committee  
on Scientific Ethics and Accountability  
(ICSEAA)  
P. O. Box 1577, Palm Harbor, FL 34683,  
USA.  
<http://www.scientificethics.org>

<http://www.santilli-foundation.org>

## Is Weinberg Anti-Semitic?

### آیا استیون واینبرگ<sup>۱</sup> یک ضدسامی است؟<sup>۲</sup>

من یک فیزیکدان یهودی در منطقه بوستون هستم (هرچند که همکارانم مرا اینگونه نمی شناسند). در این گفتگو، می خواهم ضدسامی گری روبه رشدی را در جامعه فیزیکی خود با تاییدیه های متعدد گزارش کنم، برجسته ترین مورد، ظلم و جفای بیش از ۳۰ ساله استیون واینبرگ در حق فیزیکدان ایتالیایی-آمریکایی روجروماریا سانتیلی (R.M. Santilli) است (رجوع کنید به مقاله ویکیپدیا و <http://www.santilli-foundation.org>) بگذارید شوخی را کنار بگذاریم. تعریف من از "ضدسامی گری" عبارتست از مجموعه رفتارهایی که موجب تخریب مردم یهود می شود. از یک طرف اگر یهودی بودن استیون واینبرگ را انکار کنیم، متظاهران خواهد بود. از طرف دیگر، خوانندگان باید خود تصمیم بگیرند که آیا رفتارهای واینبرگ علیه سانتیلی و همکاران وی ضدسامی است یا خیر؟

۱. همانطور که سانتیلی اسناد را با ذکر جزئیات در *Il Grande Grido* (رجوع کنید به <http://www.scientificethics.org/IlGrandeGrido.htm> بویژه سرمقاله تایید کننده *The Harvard Crimson* موجود در این کتاب) آورده است، استیون واینبرگ با تصمیم سازمان انرژی آمریکا برای گسیل سانتیلی به سمت انجام مطالعات مرتبط با محدودیت های نسبت خاص و مکانیک کوانتومی در مسائل داخلی (هادران ها، هسته و ستارگان، بویژه در لابراتوار لایمن دانشگاه هاروارد، مخالفت نمود. توجه کنید که علاقمندی سازمان انرژی آمریکا به سمت مستلزمات انرژی های جدید مورد انتظار بود. از طرف دیگر، واینبرگ، سانتیلی و خانواده وی را (با وجود دو کودک در سنین کم) به مدت یک سال کامل با وجود دسترسی به بودجه ER-78-S-02-47420.A000 از حقوق و دستمزد خود محروم ساخت. یک سال بعد، با سپاس از اشلومو اشتاینبرگ (بودجه AS02-78ER04742, DE-ACO2-80ER10651)، در نهایت واینبرگ به سانتیلی اجازه داد که به گروه ریاضی دانشگاه هاروارد منتقل شود. مساله ای که نباید با آن شوخی کرد مستندسازی مخالفت واینبرگ با یک طرح پژوهشی مهم در دستگاه اجرایی ما (دولت آمریکا) در آن زمان است.

<sup>1</sup> Steven Weinberg: [http://nobelprize.org/nobel\\_prizes/physics/laureates/1979/weinberg-autobio.html](http://nobelprize.org/nobel_prizes/physics/laureates/1979/weinberg-autobio.html)

<sup>2</sup> This Persian translation is from the English profile "Is Steven Weinberg Anti-Semitic?" from <http://www.scientificethics.org/Steven-Weinberg.htm>

۲. مستند ۱۳۱۵ صفحه ای Il Grande Grido نیز مبین این حقیقت است که واینبرگ با بیان اینکه پژوهش های سانتیلی "دارای ارزش فیزیکی نیست" سعی در وارد نمودن حملات پی در پی به سانتیلی در گروه ریاضی دانشگاه هاروارد را داشت تا آنجا که گروه ریاضی دانشگاه هاروارد مجبور شد تا بودجه سانتیلی-اشتاينبرگ را در تابستان ۱۹۸۱ قطع کند. با وجود این رفتارها، سازمان انرژی آمریکا حمایت از پژوهش های سانتیلی را با سه بودجه بیشتر به شماره های DE-ACO2-80ER-10651.A001؛ DE-ACO2-80ER10651.A002 و DE-ACO2-80ER10651.A002 تحت مدیریت "موسسه پژوهش های بنیادی Institute for Basic Research"، بنیانگذاری شده توسط سانتیلی، برای ادامه پژوهش های فوق الذکر ادامه داد ( <http://www.i-b-r.org> )

۳. به همان نحو فوق، طبق مستندات Il Grande Grido، نشان داده شده است که پس از اینکه سانتیلی دانشگاه هاروارد را ترک کرد، واینبرگ همچنان به مخالفت های خود علیه تصمیمات رسمی دولت ما (دولت آمریکا) ادامه می داد. واینبرگ با کمک دوستان یهودی که در میان همکاران مختلف خود در منطقه بوستون داشت از همان ابتدای تاسیس موسسه پژوهش های بنیادی IBR موفق شد لیست سمینارهایی را که توسط دانشمندان برجسته IBR تحت حمایت رسمی سازمان انرژی آمریکا برگزار می شد از "تقویم فیزیک منطقه بوستون" حذف نماید، بدین ترتیب اولین موج وسیع جهانی ضدسامی گری در این حالت رخ داد. از آنجا که واینبرگ نمی توانست سانتیلی را متوقف کند، به بودجه وی از سازمان انرژی آمریکا حمله ور شد. در واقع، واینبرگ با کمک دوستان خود در سازمان انرژی آمریکا در سال ۱۹۸۳ بودجه سانتیلی را قطع کرد. این برخورد تحت بیانیه ای با شهادت دیوید پیزلی از کارمندان سازمان انرژی آمریکا افشا گردید.

۴. در این حین، پژوهش های سانتیلی توجه جهانی، من جمله حضور فیزیکدانان برجسته یهودی، را به خود جلب کرد (آیا تا به حال کسی نظرات تاییدکننده فیلسوف انگلیسی، کارل پوپر، در کتاب ۱۹۸۱ وی در باب پژوهش های سانتیلی را خوانده است؟) بنابراین، واینبرگ شخصا با همکاران سانتیلی تماس گرفت و ایشان را مجبور ساخت تا آن حوزه پژوهشی را ترک کنند. به عنوان یک مثال از میان مثال های متعدد، در سال ۱۹۸۲ در IBR فیزیکدان یهودی آندرس کالنی از آرژانتین پس از بازدید از IBR با دیدن سانتیلی به گریه افتاد و در مقابل چشمان همه ابراز داشت که "من مجبور شدم به دلیل فشارهای وارده از طرف واینبرگ به پژوهش هایم با شما (سانتیلی) خاتمه دهم". کالنی که از یک سخنرانی از سرن بازگشته بود نیز بیان داشت که واینبرگ و دوستانش تمامی برخوردهای علمی نسبت به پژوهش های سانتیلی در سرن را متوقف خواهند کرد و تا کنون نیز اینطور بوده است. این برخورد موجب آشفته گی عظیمی گردیده است که امروزه منجر به تقد آزاد "جرائم علمی سازماندهی شده" در سرن نام گرفته است. علاوه بر این، این مساله تهدید مطالبات دولتی اروپا در زمینه سوء استفاده از بودجه های عظیم عمومی به دلیل شک های جدی وارد بر نتایج آزمایشگاهی سرن را برانگیخته است (به طوریکه سانتیلی و دیگر فیزیکدانان صاحب صلاحیت این نتایج را صرفاً "عقاید تجربی" می نامند). زیرا این نتایج تحت تئوری های پراکندگی برگشت پذیر برای پراکندگی های انرژی بالای

غیربازگشت پذیر بدست آمده که تمامی این انحرافات عددی در ژورنال های داوری شده به نمایش گذاشته است. هرکس می تواند این شهر آشوب علمی را در سرن متصور شود که منشا آن استیون واینبرگ است.

۵. سپس واینبرگ به سمت ستادی نظام مند علیه سانتیلی در جهت رد مقالات علمی - پژوهشی وی در ژورنال های ارتدکس پیش رفت. کمی پس از انتشار مقاله سانتیلی در (Phys. Rev D (Rev. D Vol. 22, 892?907, 1980)، لاری بیدنهان در بازدید از IBR در مقابل چشمان همه گفت: "روجر، باید بدانی که واینبرگ و دوستانش در Phys. Rev. زین پس تمامی مقالات تو را رد خواهند کرد." که بعداً نیز همین اتفاق افتاد. این مساله برایم قابل درک است که سابقه خلاف دقیقی در دستان دشمنان اروپایی مبنی بر ۲۰۰ مورد رد مقاله توسط ژورنال های APS بدون ارائه استدلال فنی معتبر در قبال رد مقالات تالیفی سانتیلی وجود دارد. منبع ویژه ای از ضدسامی گری که به من گزارش شده آن است که حتی هر مقاله ای که استنادی به سانتیلی کرده باشد، رد می شود.

۶. پس از انتشار مقاله مهم وی راجع به ایزوتوپی های نسبیت خاص در Il Cimento Nuovo به سال ۱۹۸۳ ([www.santilli-](http://www.santilli-)) [foundation.org/docs/Santilli-50.pdf](http://foundation.org/docs/Santilli-50.pdf) رئیس انجمن فیزیک ایتالیا (Fisica Italiana Societa) راتو انجلو ریچی با نوشته ای به سانتیلی در رد مقاله وی ابراز داشت: "مقالات شما توسط استاد واینبرگ، همکار قدیمی شما در دانشگاه هاروارد، مورد تایید قرار نگرفت". این نوع دخالت موجب مستند سازی صدها رد مقاله توسط SFI در حدود ۲۰ سال گردید که تماماً به موجب دشمنان سانتیلی در اروپا اتفاق افتاد.

۷. پس از چاپ آخرین مقاله سانتیلی در ([www.santilli-foundation.org/docs/Santilli-32.pdf](http://www.santilli-foundation.org/docs/Santilli-32.pdf)) JPG وضعیت مشابهی در ژورنال های Institute of Physics در انگلستان اتفاق بوقوع پیوست. ژورنال های IOP تمامی مقالات سانتیلی و همکارانش را بدون هیچ اعتراض فنی رد کردند، این رفتار تا امروز نیز ادامه دارد. یک بررسی که توسط دانشمندان بریتانیایی در این زمینه مهم صورت گرفت (هیچ گاه انتظار انرژی های جدید پاک را فراموش نکنید!) نشان داد که "رد آن مقالات نشأت گرفته از فیزیکدانان یهودی هاروارد و دوستان یهودی ایشان در IOP است." من از دیگر موارد رد مقالات مطلع هستم که همگی حاصل از انتشاراتی است که خارج از کنترل واینبرگ می باشد مانند مقالاتی که در Journal of the Moscow Physical Society رد شد؛ و رد بیشتر مقالات پس از دستاورد تقارن مهم جهانی عناصر خط ریمان در JMPS به سال ۱۹۹۳ توسط سانتیلی، از طریق فیزیکدانان یهودی روسیه صورت می پذیرفت ([www.santilli-](http://www.santilli-)) [foundation.org/docs/docs/Santilli-40.pdf](http://foundation.org/docs/docs/Santilli-40.pdf)). ضد سامی گری با این شاهد مورد توجه قرار می گیرد که اگر ویراستاران یهودی خود چنین پیشرفتی را در فیزیک بدست می آوردند هرگز با ما چنین رفتاری نمی کردند. رد مقالات سانتیلی توسط ویراستاران یهودی در Journal of Modern Physics با این ادعا که وی فردی ضدسامی است برای ما

بسیار مخرب است. پس از اعتراض به این ادعای نامعقول و نامتناسب با یک داور فنی، ویراستار JMP، Ahluwalia، از کار برکنار شد.

۸. در سال ۱۹۹۲ از شرکت کردن سانتیلی در هفتیمین کارگاه آموزشی مکانیک هادرونیک (رشته ای که خود آن را بنا نهاد و اولین نویسنده آن بود) دانشگاه آیوا در سدار فالز ممانعت شد. ریاضیدان معاصر H. C. Myung قبل از ترک کردن آمریکا به مقصد کره در نامه ای نوشت: "ممانعت از استاد سانتیلی در کارگاه آموزشی رشته خود به دلیل رفتار استیون و اینبرگ و دوستان یهودی وی بود". در اواخر ۱۹۸۸ نیز فیزیکدانان یهودی FERMILAB از حضور سانتیلی در کارگاه آموزشی FERMILAB که تحت بودجه عمومی برگزار گردیده بود ممانعت کردند. سانتیلی از ممنوعیت های دیگری نیز رنج می برد.

۹. آخرین نکته ای که موج وسیع جهانی ضدسامی گری را برمی انگیزد لقب نهادن استاد سانتیلی به عنوان "پژوهشگر علوم حاشیه ای" در صفحه ویکیپدیا، نامیدن جوایز معتبر وی به عنوان "تبلیغات"، جعل و تقلب آشکار و بسیار زیاد در شواهد و اسناد به نحوی منفی و ... می باشد. چه درست چه غلط، هر کس عقیده دارد که واینبرگ به همراه آرتور رابین Arthur Rubin - ریاضیدان و ویراستار صفحه ویکیپدیای سانتیلی - مسئول این بی عدالتی می باشند. برای اینکه تصور کنید که ما از چه ضربه ای رنج می بریم باید بگوییم که لقب "علوم حاشیه ای" بر استاد سانتیلی تمامی شرکت کنندگان کنفرانس اخیر نپال (<http://www.ku.edu.np/iclatip>) را مورد رنجش قرار داد. این کنفرانس برای بررسی پوشش غیر بازگشت پذیر لی-قابل قبول تئوری های انیشتن به عنوان پیش نیازی بدیهی برای مطالعات جدی در زمینه رویه های آزادسازی انرژی برگزار گردید. تمامی اعتراضات مستند شده در مقاله سانتیلی در برابر توهم باورنکردنی مخالفت با پژوهش های سانتیلی بی نتیجه ماند در حالیکه در واقعیت این مخالفت ها تنها ضدسامی گری جهانی به بار آورده است. لقب نهادن "علم حاشیه ای" بر پژوهشی که تحت حمایت سازمان انرژی آمریکا پیدایش یافته و امروزه سوختی جدید برای استقلال سوختی آمریکا (و اسرائیل ...) ایجاد کرده است کاملاً اشتباه می باشد.

استیون واینبرگ و همکاران، چه می کنید؟ آیا مجنون شده اید؟ این رفتارها بر خلاف آموزه های کتاب مقدس ما تورات و در نتیجه رفتارهایی ضدسامی است. بیایید جدی باشیم: شما هیچ مزیتی از این رفتارهایی که بیان کردیم نخواهید برد جز اینکه موجی از ضدسامی گری را برانگیزید. آنچه که به ما بزرگترین ضربه را وارد می کند آن است که به زور تمامی دانشمندان یهودی را از پژوهش های سانتیلی به بیرون رانده ای و ما هیچ نماینده برجسته ای در این پژوهش های دوره پسا-انیشتنی نداریم.

علاوه بر این، من باید تاسف خود را بر اوضاع مخرب زیر ابراز دارم: الف) اگر سانتیلی یک یهودی می بود واینبرگ و دوستانش حمایت کامل را از وی به عمل می آوردند؛ که صرفاً همین نکته موجب ضدسامی گری بزرگی شده است، ب) اسنادی در ایتالیا وجود دارد که خانواده سانتیلی جان یهودیان را در جنگ جهانی دوم نجات داده اند (بخصوص اینکه یک بانکدار یهودی بنام بولونیا و دیگران را از شر نازی ها نجات دادند). اما ضدسامی گری باید آن زمان انتظار رود که خانواده سانتیلی جان یهودیان را از شر نازی ها نجات دادند اما فیزیکدانان یهودی آنگونه رفتاری را نسبت به سانتیلی در منطقه بوستون از خود نشان دادند، ج) تقریباً تمامی فیزیکدانان یهودی در سراسر جهان از رهبری شیاطانی استیون واینبرگ پیروی می کنند و آنچه را که غیریهودیان می پندارند بر می انگیزد: "فقط ضدسامی گری"، د) واینبرگ هیچ تقد فنی بر پژوهش های علمی سانتیلی ندارد که این خود موجب آتش افروزی ضد سامی گری می شود، و) امروزه به صورت وسیعی پذیرفته شده است که پیش بینی سانتیلی از ناکارآمدی نسبت خاص در مسائل داخلی درست است زیرا شما نمی توانید چارچوب های مرجع لخت را درون ماده قرار دهید زیرا هادرون ها، هسته ها و ستارگان فاقد هسته می باشند و در نتیجه نقض تقارن پیوندکاره و نسبت خاص به اثبات می رسد (مراجعه کنید به [www.world-lecture](http://www.world-lecture) [series.org](http://series.org)). لقب نهادن "علوم حاشیه ای" بر پژوهش های سانتیلی چیزی جز ضدسامی گری بر نمی انگیزد زیرا امروزه پژوهش های سانتیلی در تمامی جهان شناخته شده است و اخیراً سوخت ها و انرژی های جدیدی را تولید کرده است (رجوع کنید به تک نگاشت بازبینی عمومی مستقل [www.santilli-foundation.org/docs/RMS-12-9-10.pdf](http://www.santilli-foundation.org/docs/RMS-12-9-10.pdf)) به طور خلاصه، نه تنها سانتیلی متوقف نشده است بلکه موفقیت های وی موجب سایه افکنی جدی بر رفتارهای استیون واینبرگ به عنوان یک یهودی شده است. این سایه بر علمی که همواره در تاریخ بجای خواهند ماند نیز برافراشته شده است.

به صورت کنایه آمیز مطالعات سانتیلی متوجه ایزوتوپی ها می گردد، مکانیسمی که وی برای حفظ اصول موضوعه اولیه اختراع کرد. وی بجای اینکه اصول موضوعه انیشتن را تحت شرایط ناکارآمد حفظ کند و بدین ترتیب انیشتن را بدنام نماید، برعکس، سانتیلی با حفظ اصول موضوعه انیشتن و با بسط وسیع تر شرایط دینامیک داخلی حقیقتاً موجب افتخار انیشتن گردید. اما، چه انتظاری بیش از این می توان از فردی که نه کلیمی و نه مسیحی است داشته باشیم؟ GodRah.

قبل از اینکه شما نسبت به واینبرگ قضاوتی داشته باشید که آیا وی ضدسامی است و اگر اینگونه باشد تا چه حد وی با سامی مخالفت دارد، باید بدانید که برخی از فیزیکدانان عرب وی را "شیطان یهود" می نامند زیرا واینبرگ همانگونه که با سانتیلی رفتار کرده است با آن

فیزیکدانان عرب نیز رفتار نموده است. علاوه بر این باید در شرایط بدگویی های آشکاری که از رفتارهای افراطی غیرقابل تحمل ناشی می گردد، و در زمان رنسانس اعراب به میلیون ها عرب می رسد شما باید به عواقب مردم خود فکر کنید.

پیشنهاد من؟ فیزیکدانان یهودی باید این رفتارهای مزبوحانه را رها کرده و مانند یک دانشمند برخورد کنند و در نتیجه سانتیلی را در FERMI LAB, CERN و ... دعوت نمایند تا انحرافات علمی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

\*\*\*\*\*

هر چند که از نظر من متن فوق الزاما درست و مستند می باشد و هر چند که اینجانب قربانی پخش این اطلاعات گردیده ام (روش تالیف صفحه منتسب به مدیران ویکیپدیا برای اتهام لجوجانه به پژوهش های اینجانب تحت عنوان "علوم حاشیه ای Fringe Science" با وجود اعتراض دانشمندان برجسته بسیاری)، من به شدت مخالف اطلاعات نژادی فوق راجع به استیون واینبرگ می باشم زیرا وی با وجود سایه سیاسی مخوف غیرقابل انکارش بر CERN, FERMI LAB & Nobel Foundation و دیگر مکان ها نماینده جامعه فیزیکی یهودی نیست. در واقع فیزیکدانان یهودی قوی ترین حمایت ها را برای مطالعه عبور از تئوری های انیشتن (فقط) برای مسائل داخلی از اینجانب به عمل آورده اند: مانند فیزیکدانان رده بالای ایالات متحده آمریکا (در حال حاضر من برای نام بردن ایشان آزادی ندارم) سال ها مشوق و حامی اینجانب بوده اند، فیزیکدان یهودی Michele Sacerdote در ایتالیا برای بررسی عمیق مقالات و تک نگاشت های متعدد و انتقادات با ارزشش سال ها به اینجانب کمک نموده اند. نیز فیزیکدان یهودی Andres Kalnay از آرژانتین منبعی وسیع از الهام در حوزه های انسانی و علمی بوده است و من حمایت های مشابهی از دیگر فیزیکدانان یهودی از اسکانداوی، آلمان، فرانسه، اطریش، اسپانیا و دیگر کشورها دریافت نموده ام. علاوه بر این International Association of Relativistic Dynamics (IARD) که توسط فیزیکدانان یهودی اسرائیل برگزار و حمایت می گردد بارها برای انجام پژوهش برای عبور از تئوری های انیشتن از اینجانب دعوت نموده اند. نیز Larry Horwitz مدیر IARD، از دانشگاه University of Tel-Aviv کمک های فراموش نشدنی و بخشاینده ای برای بررسی دقیق برخی مقالاتم چه به لحاظ فنی و چه زبانی ارائه داده است. به عنوان مدرک روشنی بر حمایت خالصانه علمی که از جامعه فیزیکی یهود دریافت نموده ام و از آن بی نهایت متشکر و سپاسگزارم واقعه زیر است. همایشی تحت عنوان Eighth N. Grossmann Meeting in Gravitation در سال ۱۹۹۶ در اورشلیم برگزار گردید، برگزار کنندگان این همایش با ریاست T. Piran از اورشلیم ابتدا در باب اتحاد بزرگ بر مبنای عبور از گرانش انیشتن به صورت پذیرش تقارنی جهانی همریخت با کنش های الکتروویک مقاله ای از اینجانب پذیرفتند. متاسفانه در آخرین لحظات به دلایل مختلف من را مجبور کردند تا از سفر به اورشلیم منصرف شوم. با این وجود رئیس

بخش مقاله اینجانب R. Hehl از آلمان مقاله اینجانب را در آن کنفرانس بوضوح در مقابل دیدگان همه ارائه داد و با وجود اینکه من در آن همایش غایب بودم مقاله ام را در شرح مذاکرات آن همایش به چاپ رساندند. این واقعه آتقدر زیبا بود که من همیشه به هنگام سخنرانی راجع به این موضوع این واقعه را مرور می کنم.

"Isotopic unification of gravitation and electroweak interactions," R. M. Santilli, Proceedings of The Eighth Marcel Grossmann Meeting in Gravitation, T. Piran and R. Ruffini, Editors, World Scienti c, 473{475 (1999),

<http://www.santilli-foundation.org/docs/Santilli-137.pdf>

Ruggero Maria Santilli

Acting pro se

[ibr@gte.net](mailto:ibr@gte.net)

\*\*\*\*\*

نیز مشاهده مصاحبه های استوین واینبرگ در یوتیوب و دیگر رسانه ها خود می تواند مدرکی باشد دال بر اینکه باند مخوف استیون واینبرگ و همدستان وی در خاورمیانه چه نقشه های علمی برای نابودی اعتقادات دینی و حقیقت زندگی مردمان این سرزمین ها طرح ریزی کرده اند:

<http://www.youtube.com/watch?v=66CeQb4EVOI>